



صنعت

صنعت عبارت است از **حرفه و فن**، مانند **بافتندگی**، **خیاطی**، **بنایی**، **رنگرزی** و **نجاری**.

فهرست مندرجات

- ۱- کاربرد فقهی
- ۲- لازمه صنعت
- ۳- حکم تکلیفی
- ۴- اجاره
- ۵- نکاح
- ۶- ضمان
- ۷- غصب
- ۸- پانویس
- ۹- منبع

کاربرد فقهی

از احکام مرتبط با آن در بابهای **تجارت**، **اجاره**، **نکاح** و **غصب** سخن گفته‌اند.

لازمه صنعت

به کاری صنعت گفته می‌شود که مبتنی بر **مهارت**، **دانش** و **دقت** باشد؛ از این رو، هر کاری صنعت نخواهد بود، مانند **بازرگانی**؛ زیرا بازرگان نمی‌داند آیا با تجارتش به **هدف** خود؛ یعنی **سود** می‌رسد یا نه؟ در حالی که صنعت کار کار خود را بر اساس **علم** به شیوه کار و چگونگی سامان دهی آن تا رسیدن به مقصود پی‌ریزی می‌کند؛ از این رو، به **نجار** صنعتگر می‌گویند؛ زیرا از قبل می‌داند چه باید بکند و چه **ابزار** و ساز و کاری فراهم سازد تا به مقصود برسد.
[۱] الفروق اللغویة، ص ۳۲۱-۳۲۲.
[۲] التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، واژه «صنع».

حکم تکلیفی

صنایع فی الجملة از ضروریات زندگی **بشر** است و بدون صنعت، زندگی سامان نمی‌گیرد، مانند **کشاورزی**؛ لیکن برخی صنایع به دلیل مفاسدی که بر آنها مترتب می‌گردد، **حرام** شمرده شده‌اند، مانند **مجسمه‌سازی** و ساختن آلات **لهو و قمار**. برخی صنایع مستحب‌اند، مانند **ریسندگی** برای زن
[۳] جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۶۶.
و برخی **مکروه**، مانند صنایع **پست** نزد **عرف**.
[۴] جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۶۶.

اجاره

اگر صنعتگری چون **خیاط** برای کاری **اجیر** شود، در صورتی که مدت **اجاره** مشخص گردد، باید صنعت کار نیز مشخص شود؛ اما اگر تنها انجام دادن کار مشخص شود، مانند اینکه لباسی را بدوزد، نیازی به تعیین صنعت کار نیست.
[۵] جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۲۸۹-۲۹۰.

نکاح

تزویج دختر پرورش‌یافته در **خانواده** مشخص و دارای موقعیت اجتماعی به دارندگان صنایع و مشاغل **پست** اجتماعی **جایز** است.
[۶] جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۰۶.

قرار دادن تعلیم صنعت به عنوان **مهر** صحیح است.
[۷] جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴.

ضمان

اگر صنعتگری چون خیاط چیزی که در اختیارش قرار دارد را **ناقص** یا **تلف** کند، **ضامن** است؛ لیکن اگر وی مدّعی تلف بدون **افراط** یا **تفریط** و **مالک منکر** آن باشد، به قول **مشهور** صنعتگر در صورت نداشتن بیّنه ضامن است.

[۸] جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۳۴۳.

[۹] مختلف الشیعة، ج ۶، ص ۱۵۶-۱۵۷.

غصب

چنانچه مال غصبی نزد غاصب تلف شود، ضامن است و باید مثل یا **قیمت** آن را به مالکش بپردازد، و اگر در مال غصبی، صنعتی حلال که دارای **ارزش** است، به کار رفته باشد، غاصب، ضامن صنعت به کار رفته در آن نیز می‌باشد؛ اما اگر صنعت به کار رفته در آن حرام باشد، مانند **طلا** و نقره‌ای که با آن **بت** یا **صلیب** ساخته‌اند، **غاصب** ضامن صنعت به کار رفته در آن نخواهد بود.

[۱۰] جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۱۰۹-۱۱۱.

پانویس

۱. ↑ الفروق اللغویة، ص ۳۳۱-۳۳۲.
۲. ↑ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وازه «صنع».
۳. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۴۶۶.
۴. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۴۶۶.
۵. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۲۸۹-۲۹۰.
۶. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۰۶.
۷. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴.
۸. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۳۴۳.
۹. ↑ مختلف الشیعة، ج ۶، ص ۱۵۶-۱۵۷.
۱۰. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۱۰۹-۱۱۱.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، زیر نظر آیت‌الله محمود هاشمی‌شاهرودی، ج ۵، ص ۱۰۹، برگرفته از مقاله صنعت.